

859

د -

ا

دع

دع



روشنفکران ایرانی و سنت

سرشناسه | علی حسینی، علی، ۱۳۵۲
عنوان | روشنفکران ایرانی و سنت
پدیدآور | علی علی حسینی
ویراستار | مهدی خزائی
مشخصات نشر | قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری | ۳۳۶ ص.

شابک | 978 - 964 - 8092 - 79- 0

وضعیت فهرست‌نویسی | فیا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار)
یادداشت | این اثر، مقاله دکتری مولف در رشته علوم سیاسی از
دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌باشد.
کتابنامه
نمایه
چاپ اول

موضوع | ۱. تجدد. ۲. سنت و سنت‌گرایی. ۳. تجدد - ایران.
۴. مارکسیسم. حزب توده. ۵. مکتب. ۶. دیوید، پیر،
۱۹۳۰ - م. - نظریه درباره سنت و سنت‌گرایی.
۷. روشنفکران - ایران - نظریه درباره سنت و سنت‌گرایی

شناسه افزوده | الف. خزائی، مهدی، ۱۳۵۸ - ویراستار
ب. دانشگاه مفید

ج. عنوان

B ۱۰۵ / ۳ ع ۱۳۹۷

۱۰۷

ن-۹۷-۲۸۰۸

رده‌بندی کنگره |

رده‌بندی دیویی |

کتابخانه ملی |

روشنفکران ایرانی و سنت

علی علی‌عسینی

عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان





روشنفکران ایرانی و سنت

علی علی حسینی

ناشر | انتشارات دانشگاه مفید

طراح جلد | عرفان الماسی

چاپ | اشراق

شابک | ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۸۰۹۲ - ۷۹ - ۰

چاپ اول | بهار ۱۳۹۸

شمارگان | ۳۰۰ جلد

قیمت | ۴۸۰۰۰ تومان

entesharat@mofidu.ac.ir

قم - انتهای بلوار شهید صدوقی، دانشگاه مفید

تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۰۲۳۱، ۳۲۴ | فاکس: ۰۲۵-۳۲۹۳۵۱۷۷ | کد پستی: ۳۷۱۶۹۶۷۷۷

فهرست

۹	دیباچه
۱۷	فصل اول: چهار چوب نظری و مسأله روش
۱۷	مقدمه
۱۸	شیوه تعاملی بوردیو
۲۰	سوژکتیویسم و تحلیل مفهوم سنت
۲۱	ابژکتیویسم و نقش عوامل بیرونی در تحلیل مفهوم سنت
۲۳	نابسندگی رویکردهای یک‌جانبه‌نگر در تحلیل مفهوم سنت
۲۷	«سو/ابژکتیویسم»، الگویی نظری برای بررسی مفهوم سنت در ایران
۳۲	عادت‌واره روشنفکری
۴۲	روشنفکری و میدان؛ نسبت اندیشه با شرایط اجتماعی
۴۶	ویژگی‌های ساختاری میدان
۵۰	رابطه سرمایه‌ها و مواضع روشنفکران
۵۲	اندیشه: محصول عادت‌واره و میدان روشنفکری
۵۴	روشنفکران و تفاوت‌های ناگزیر
۶۰	روشنفکران ایرانی و برساختگی مفهوم سنت
۶۹	عادت‌واره‌های چپ و هگلی و تعبیر مختلف از سنت در ایران معاصر

فصل دوم: عادت‌واره چپ و سنت در ایران معاصر ۷۱

- ۷۱ پیشینه اندیشه چپ در ایران
- ۷۳ مارکسیسم روسی در ایران
- ۷۴ اندیشه‌های چپ اروپایی در ایران
- ۷۷ حزب توده و ترویج مارکسیسم روسی در ایران
- ۸۱ مهم‌ترین نمایندگان اندیشه چپ در ایران
- ۸۱ شی‌ارزی (۱۳۱۸-۱۲۸۲)
- ۸۵ احسان طبری: (۱۳۶۸ - ۱۲۹۵)
- ۸۶ عادت‌واره چپ در یک نگاه
- ۸۷ مبانی عادت‌واره چپ
- ۹۳ الگوی تئوریک عادت‌واره چپ
- ۹۷ قواعد دیالکتیک
- ۹۷ ۱. قانون / قاعده ارتباط اجزای وجود با یکدیگر
- ۹۸ ۲. قاعده / قانون حرکت و تغییر
- ۱۰۰ ۳. قاعده / قانون تضاد
- ۱۰۸ عادت‌واره چپ و بازتاب در اجتماع

فصل سوم: عادت‌واره چپ و سنت در میدان‌های مختلف ایران معاصر ۱۱۱

- ۱۱۱ مشکلات عادت‌واره چپ نسبت به سنت در ایران
- ۱۱۵ تاریخ، عرصه جدال کهنه و نو
- ۱۱۷ نقد توأمان سنت و سرمایه‌داری
- ۱۲۱ ویژگی‌های نظام نو
- ۱۲۳ نقد گذشته از چشم‌انداز آینده
- ۱۲۶ انهدام نظام کهنه و تأسیس نظام نو
- ۱۲۸ مواجهه سنت با ترقی و تجدد در ایران

.....	۱۳۱	سرمایه‌های عادت‌واره چپ در ایران
.....	۱۳۲	۱. طبقه و مبارزه طبقاتی
.....	۱۳۵	۲. حزب، تشکیلات و سازمان
.....	۱۳۸	۳. آموزش، آگاهی و بینش
.....	۱۴۰	۴. عمل و پراتیک اجتماعی
.....	۱۴۱	عادت‌واره چپ در میدان‌های مختلف
.....	۱۴۱	الف) میدان سیاست
.....	۱۴۷	ب) میدان باور و نقش دوگانه دین
.....	۱۵۱	ج) میدان دانش: تقابل دانش‌های سنتی با علم جدید
.....	۱۵۴	د) میدان فرهنگ، ضرورت همراهی با فرهنگ جهانی
.....	۱۶۳	ه) میدان اجتماعی، عرصه ظهور تضاد جامعه سنتی با فرماسیون سرمایه‌داری
.....	۱۶۸	و) میدان اقتصادی: زیربنای گذار از کهنه به نو
.....	۱۷۵	جمع‌بندی
.....	۱۷۷	فصل چهارم: عادت‌واره هگلی و سنت در ایران معاصر
.....	۱۷۷	پیشینه چشم‌انداز هگلی در ایران
.....	۱۸۵	نمایندگان عادت‌واره هگلی
.....	۱۹۱	عادت‌واره هگلی
.....	۱۹۹	ضرورت تأمل فلسفی و توجه فلسفی به تاریخ
.....	۲۰۱	اعتقاد به تاریخ جهانی و کلی
.....	۲۰۲	تقسیم تاریخ به دوران قدیم، گذار و جدید
.....	۲۰۵	سیطره جهانی منطق اندیشه غربی
.....	۲۰۹	عقلانیت غربی، عقلانیت معیار
.....	۲۱۱	تعمیم تجربه غرب به ایران
.....	۲۱۵	جمع‌بندی

فصل پنجم: عادت‌واره هگلی و میدان فرهنگ و سیاست ۲۱۷

مقدمه	۲۱۷
عادت‌واره هگلی و میدان فرهنگ و شناخت	۲۲۰
عادت‌واره هگلی و تمایز شناخت دینی از شناخت عقلی	۲۵۱
دارالعلم/ دانشگاه، تقابل دو گونه شناخت قدیم و جدید	۲۶۹
دانشگاه، مولد دانش جدید	۲۸۰
جمع‌بندی	۲۸۹
عادت‌واره هگلی و میدان سیاست و اجتماع	۲۹۱
گذار از رابطه سیاسی خدایگان و بنده به سوی رابطه دموکراتیک	۲۹۲
نسبت انگوی خدایگان و بنده با دین	۲۹۵
کمال عقل، پایان بندگی و پایان تاریخ	۲۹۷
شکل‌گیری مفاهیم جدید و تحول در نگاه به سیاست	۳۰۰
دولت حافظ مصلحت عمومی	۳۰۳
تامل در برخی نتایج	۳۱۰
منابع	۳۱۵
نمایه	۳۲۴

دیباچه

یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین کشمکش‌های فکری در ایران معاصر، مسأله سنت و تجدد است. این بحث بخش زیادی از تولیدات و دغدغه‌های فکری ایرانیان را به خود مشغول داشته و موجب ایجاد ادبیات گسترده‌ای در این زمینه شده است. به دلیل حضور نظامی، تکنولوژیک، فکری، فلسفی و ادبی دویست ساله غرب در ایران و آشنایی ایرانیان با مظاهر مختلف غرب، بخش زیادی از مطالعات و تأملات ایرانیان به سوی بررسی تجدد و نسبت ایرانیان با این پدیده سوق داده شده است. ره‌آورد این گرایش به تأمل در باب تجدد غفلت از روی دیگر یعنی سنت است؛ گو این که ایرانیان این مفهوم را به‌عنوان امری بدیهی از مرکز تأملات خود به حاشیه فرستاده‌اند.

بررسی آغازها، که همیشه کلید فهم فرایندهاست، نشان می‌دهد که شروع مواجهه با غرب، «خود» در مقابل «غیر خود»، «ما» در مقابل «دیگران»، «شرق» در مقابل «غرب» و «سنت» در مقابل «تجدد»، برای ایرانیان تبدیل به یک مسأله شده اما مورد مطالعه‌ای دقیق قرار نگرفته است. پس

از این مواجهه، انواع رویکردها نسبت به غرب/تجدد هم‌چنین نسبت به شرق/سنت در میان ایرانیان شکل گرفت. از دو قرن پیش تاکنون ایرانیان حیرت، حسرت، نفرت، شیفتگی، اقتباس، نقادی و حتی بی‌تفاوتی نسبت به غرب را تجربه کردند. هریک از مواضع بالا نسبت به «غرب»، زمینه‌ساز موضع‌گیری‌های متفاوت روشنفکران ایرانی به «سنت» از قبیل نفی، نقد، شیفتگی، اقتباس و حتی فراموشی شد. آنچه در این میان اهمیت اساسی دارد، تبدیل شدن سنت به «مسئله» و عطف توجه به «خود» در میان دسته‌ها و جریان‌های مختلف از اهل تفکر و تأمل در ایران است. سنت، تا پیش از تبدیل شدن به «مسئله» و مسئله علمی توسط مردم زیسته می‌شد.

در واقع سنت، نحوه زیستن ما بود، مجموعه‌ای از چگونگی فکر کردن، چگونگی دیدن هستی، چگونگی شناختن پدیده‌ها، چگونگی سامان دادن جامعه، چه و چگونه پوشیدن، چه و چگونه خوردن، چه و چگونه دیدن و ساختن، چگونه پرستش کردن، چگونه و در چه قالبی احساس و اندیشه را در شعر، موسیقی، نقاشی و معماری به نمایش گذاشتن و در یک کلام چگونگی «بودن» ما بود. سنت، یک بسته کامل و جامع بود که شامل همه زوایای زندگی و حتی پس از حیات ما می‌شد. تاریانی که این نوع از «بودن»، «دیدن» و «فهمیدن» در مقابل نوع «دیگری» که متفاوت از «آن‌چه خود داشت» ما قرار نگرفته بود، محور توجه و «مسئله» کانونی ما نشده بود. ولی با حضور آن «دیگری» غرب، هر متفکر و هر جریان فکری براساس پیش‌دانسته‌ها، پیش‌فرض‌ها و نوع گزینشی که زمینه و زمانه بر او تحمیل می‌کرد و با توجه به شرایط تاریخی - اجتماعی به وجهی از وجوه سنت توجه کرد. بنابراین آن‌چه به دست می‌آمد بر ساخته‌ای از فهم آن متفکر یا جریان فکری از «سنت» بود که به عنوان معنا و منظور نهایی از «سنت» ارائه می‌شد. امروز نیز با انواعی از بر ساخته‌ها، قرائت‌ها و فهم‌ها از سنت که هر کدام بخشی از سنت را برجسته کرده‌اند، مواجهه‌ایم. حضور

طولانی مدت غرب در ذهنیت ایرانیان، نه تنها در آغاز به مثابه یک «غیر»، انگیزه‌ای برای پرداختن به «خویشتن» و توجه به «سنت» در میان ما شد بلکه به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر ذهنیت و فهم ایرانی در مواجهه با سنت ایفای نقش نمود. به طوری که بررسی سنت در ایران بدون توجه به نوع نگرش جریان‌های مختلف روشنفکری نسبت به غرب مشکل می‌نماید. در واقع اگر این پیش فرض را بپذیریم که معنا، محصول ارتباط موثر و دو طرفه ذهن و محیط است و این را نیز مورد توجه قرار دهیم که از نزدیک به دو سده پیش تاکنون غرب، جزئی از محیط ما و از عوامل موثر بر ذهنیت ایرانی است، دسته‌بندی روشنفکران ایرانی جهت بررسی نوع نگاه ایشان به سنت، همراه با نوع نگاه آن‌ها به غرب باید مورد بررسی قرار گیرد.

با لحاظ کردن شرایط تاریخی - اجتماعی متفاوت هر دوره و با دو معیار «توجه به سنت» و «نوع نگاه به غرب» بخواهیم به دسته‌بندی روشنفکران ایرانی پردازیم شاهد رویکردهای متعددی خواهیم بود که هر کدام نمایندگانی داشته و منابع و منبوی را تولید کرده‌اند. یکی از دغدغه‌های اصلی در این نوشتار بررسی منشأ، زمینه‌ها و عوامل دخیل در شکل‌گیری این تنوع دیدگاه‌هاست. چرا روشنفکران ایرانی به درک واحدی از مفهوم سنت در دوره معاصر تاریخ ایران نرسیده‌اند؟ آیا دوره‌های مختلف تاریخ، سنت‌های متفاوتی را عرضه می‌کنند، بنابراین هر دوره‌ای از تاریخ سنت خاص خود را دارد؟ یا تنوع دیدگاه‌ها معطوف به تنوع روشنفکران است؛ که در این صورت به تعداد روشنفکران ایرانی باید، تعبیرهایی از سنت را شناسایی کرد؟ از سوی دیگر تنوع دیدگاه‌ها، چه ارتباطی با شرایط و موقعیت‌های جغرافیایی و زمینه‌ها و بسترهایی که این دیدگاه‌ها در آن‌ها شکل گرفته‌اند دارد؟

از نظر این نوشتار، عوامل فوق در شکل‌گیری دیدگاه‌های روشنفکران ایرانی در خصوص مفهوم سنت دخالت دارند، تلقی کردن هر یک از این

عوامل به‌عنوان عامل اصلی به تحلیلی ناقص خواهد انجامید. باید مدلی را طراحی کرد که نه تنها بر نقش روشنفکران و دوره‌های تاریخی در شکل‌گیری دیدگاه‌ها پیرامون سنت تاکید دارد بلکه تاثیر عوامل محیطی و موقعیت‌های مختلف را نیز مورد توجه قرار دهد. در این نوشتار، نمی‌توان روشنفکران را در خلاء تصور کرد. آن‌ها را نمی‌توان از زمینه‌ها و موقعیت‌هایی که در آن قرار دارند جدا کرد و سهمی برای تاثیر این موقعیت‌ها و شرایط در شکل‌گیری دیدگاه‌شان قائل نشد. نه تنها روشنفکران و اندیشمندان بلکه به هر فرد در اجتماع همواره از دو زوایه باید نگریسته شود. هر فرد در دنیای متفاوت اما مرتبط به هم دارد. یک دنیای درونی‌ست که در این دنیا، فرد با توجه به ویژگی‌های فردی و شخصی‌اش مورد ملاحظه قرار می‌گیرد اما این دنیای درونی از دنیای بیرونی و محیط اجتماعی که در آن با سایر افراد، نهادها و ساختارها، آراء و اندیشه‌ها، دغدغه‌های عمومی و سایر عوامل تاثیرگذار بر فرد جامعه، مستقل و منفک نیست. از این رو هر فرد به‌ویژه روشنفکران به‌مثابه قشر تاثیرگذار در جامعه، همواره آنچه را که از محیط اطراف خود اعم از رفتارها و کنش‌ها و آراء و اندیشه‌ها دریافت می‌کنند به دنیای درون خود راه داده و سعی در درونی کردن آن‌ها می‌نمایند و در مقابل نیز تلاش می‌کنند تا بر محیط خود تاثیر بگذارند و در نتیجه برخی از رفتارها، کنش‌ها و این اندیشه‌ها و آراء را برجسته‌تر، مشروع‌تر و مقبول‌تر جلوه داده و از این طریق بر محیط خود تاثیر گذاشته و تلاش می‌کنند تا ایده‌های خود را بر اجتماع تحمیل نمایند.

نتیجه درونی کردن عوامل بیرونی و جلوه بیرونی بخشیدن به تولیدات درونی، این است که هر روشنفکر پس از این فرایند دوطرفه، از منظری خاص با ادبیات و زبانی که در نتیجه انس با برخی از تئوری‌ها و نیز فرهنگ، دریافت کرده و با تمایلات، سلیق، علایق و نظامی از ترجیحات ویژه خود به تحلیل پدیده‌ها و صورت‌بندی آراء خود می‌پردازد.

در واقع هر متنی در چهارراه تحولات سیاسی، ادبی، سبکی، فکری، زبان‌شناختی و فنی زمان خویش شکل می‌گیرد.^۱ بنابراین یک اندیشه یا یک مفهوم را در اندیشه هر روشنفکر نمی‌توان در خلاء و منفک از علایق، سلايق، نظام ترجیحات و شرایط و موقعیت‌هایی که آن روشنفکر در آن‌ها قرار داشته و نیز تئوری‌ها و نظام فکری که از آن تاثیر پذیرفته و به آن تعلق دارد، مورد بررسی قرار داد. چراکه هر «من» نویسنده، در عین حال بخشی از یک موج تاریخی است و در کانون شبکه‌ای پیچیده و گاه مرئی و غالب نامرئی از نفوذ و تاثیرهای فلسفی و سیاسی قرار دارد.^۲

بررسی از این دست در خصوص مفهوم سنت در میان روشنفکران ایرانی نه تنها چرایی و چگونگی تنوع دیدگاه‌ها در مورد مفهوم سنت در نظر روشنفکران ایرانی را توجیه و تحلیل می‌کند بلکه این امکان را نیز فراهم می‌آورد تا با در دست داشتن مدل و الگویی تحلیلی به سراغ هر روشنفکر یا جریان فکری رفته و مفهوم سنت را در دیدگاه‌های آن روشنفکر یا جریان فکری توضیح داد. تلفیق روشنفکران ایرانی از سنت مبتنی بر پیش‌فرض‌های آن‌ها، برخاسته از تاثیر و تأثرات محیطی، مرتبط با نیازها و پرسش‌های زمانه و معطوف به گزیده‌بینی ایشان و بنابراین بر ساخته است. در نتیجه، ما با انواع سنت‌آلود نه به تعداد مواجهه روشنفکران با سنت، حداقل به تعداد جریان‌های روشنفکری در ایران مواجهیم. در این راستا حداقل می‌توان به عادت‌های چاپ، هگلی، سنت‌گرا، هایدگری، مذهبی و عادت‌واره پست مدرن اشاره کرد.

این پژوهش در صدد است تا تنها دو جریان فکری چاپ و هگلی در ایران را بررسی نماید. آنچه بدیهی است مهم‌ترین نزاع‌های فکری در ایران معاصر از مشروطیت به این سو شکل گرفته است. پس از آشنایی

۱. عباس میلانی، تجدد و تجدد ستیزی در ایران، (تهران: آتیه، ۱۳۷۸)، ص ۹.

۲. همان، ص ۱۱.

ایرانیان با غرب در دوره مشروطه مفاهیم و الگوهای فکری و سیاسی جدیدی شکل گرفت. در این برهه اندیشه چپ به عنوان یکی از مهم ترین مکاتب فکری وارد ایران شد.^۱ این در حالی است که مفاهیم جدید غربی از جمله آزادی، انتخابات، مجلس شورا، قانون و... از مسیر روشنفکران مایل به رویکرد لیبرالیستی وارد ایران شد.^۲ از آغاز، این دو مکتب یعنی سوسیالیسم و لیبرالیسم، اهل فکر در ایران را به اندیشه ورزی واداشتند. اگر در گذشته - از مشروطه تا جمهوری اسلامی - نقش چپ ها بیشتر بود به نظر می رسد که امروزه سایه اندیشه های لیبرال و هگلی بر ادبیات روشنفکری ایران سنگین تر از اندیشه های چپ باشد. به هر روی این پژوهش، به دلیل اهمیت اندیشه های چپ و هگلی، تلاش خواهد کرد تا از میان جریان های فکری مختلف در ایران، بر دیدگاه های عادت واره های چپ و هگلی تمرکز نماید. اهمیت اندیشه های چپ از آن روست که در شکل گیری مهم ترین و بنیادی ترین بحث ها در ایران، نقش آن بسیار زیاد بود به طوری که همیشه یک پای ترازوهای اصلی در فضای فکری ایران را چپ ها به خود اختصاص می دادند و عمدتاً با مذهبی ها چالش داشتند. در جامعه دینی ایران، تکیه بر ماده و اصالت دادن به ماده که محصول

۱. خسرو شاکری در پژوهش خود با عنوان پیشینه های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی (تهران: اختران، ۱۳۸۲) این بحث را به صورت مفصل توضیح داده است و ما نیز در فصل مربوط به اندیشه های چپ به این موضوع به صورت تفصیلی خواهیم پرداخت.

۲. ماشاءالله آجودانی در کتاب «مشروطه ایرانی» ورود مفاهیم جدید به ایران در دوره مشروطه را واکاویده و در خصوص اشکالاتی که ورود این مفاهیم ایجاد کردند، تحلیل هایی ارائه کرده است. ر.ک: ماشاءالله آجودانی، مشروطه ایرانی، (تهران: اختران، ۱۳۸۲) سید جواد طباطبایی نیز این بحث را در کتاب زیر توضیح داده است: ر.ک: سید جواد طباطبایی، نظریه حکومت قانون در ایران؛ مبانی نظریه مشروطه خواهی، (تبریز: ستوده، ۱۳۸۶)، صص ۸۹ به بعد.

رویکرد ماتریالیستی چپ‌ها بود، با رویکرد خدا‌باورانه مذهبی‌ها همخوانی نداشت و دغدغه‌های فکری مذهبی‌ها را درگیر علایق چپ می‌کرد. بنابراین، اگرچه چپ‌ها، تقریباً هیچ‌گاه فرصت پیدا نکردند تا به لحاظ سیاسی و اجتماعی، خود را در ساختار قدرت در ایران به محک آزمون بگذارند اما آن‌ها از یک‌سو در بسیاری از موارد عمل سیاسی ایرانیان را تحت تاثیر دیدگاه‌های خود، جهت دادند و از سوی دیگر بر ادبیات فکری ایران تاثیر تئوریک زیادی گذاشتند. به عبارت دیگر، چپ‌ها در شکل‌گیری مهم‌ترین دغدغه‌ها و پرسش‌های فکری در دوره معاصر ایران نقش داشته‌اند. آن‌ها مطابق با چارچوب منظم فکری که آموزش‌های مارکسیستی اقتصاد می‌کرد و سازماندهی منظم و با برنامه‌ای که داشتند، در عمده زمینه‌ها اعم از حوزه سیاست، اقتصاد، آموزش و معرفت، اجتماع و مهم‌تر از همه نظام باور، ایده‌ها و دغدغه‌هایی را مطرح می‌کردند که از یک‌سو، دیگران را وادار به اعلام موضع می‌کردند و از این طریق تنور مباحث فکری گرم می‌شد و از سوی دیگر، ادبیات فکری ایران را سرشار از مفاهیم و دغدغه‌های چپ می‌کردند.

بر همین اساس فهم بسیاری از مباحث جدید در ایران بدون آشنایی با اندیشه چپ، بسیار دشوار خواهد بود. چرا که به دلیل سایه سنگین ادبیات چپ بر مباحث فکری دوره معاصر ایران، درک و دریافت ما از بسیاری از مفاهیم در حوزه سیاست، اقتصاد و... تحت تاثیر اندیشه‌های چپ شکل گرفته است. اگرچه اندیشه چپ بخشی از فلسفه آلمانی را نمایندگی می‌کند، اما بخش دیگر این فلسفه که هگل بزرگ‌ترین نماینده آن است، نیز در ایران نمایندگانی دارد و ادبیات روشنفکری را به‌ویژه پس از شکل‌گیری دانشگاه در ایران تحت تاثیر خود قرار داده است. اگر اندیشه‌های چپ در دوره مشروطه و پهلوی‌ها به‌ویژه پهلوی اول بسیار فعال بودند اما تقریباً از پهلوی دوم و به‌ویژه در دوره جمهوری اسلامی،

اندیشه‌های هگلی و لیبرال در ایران، فضای روشنفکری ما را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. اگر چپ‌ها از یک نوع «کهنه و نو» با تحلیل مارکسیستی و پوزیتیویستی صحبت می‌کنند، هگلی‌ها از گونه دیگری از کهنه و نو سخن می‌گویند ولی وجه مشترک هر دو این است که گذار از سنت به امر نوپدید را ناگزیر می‌دانند. از همین رو تلاش می‌کنیم تا دیدگاه‌های این دو جریان فکری در ایران را بررسی نماییم.